یادکردی از ۵ فرمانده شهید حادثه سقوط هواپیمای سی ۱۳۰ در هفتم مهر ۱۳۶۰

نام‌هایی که بخشی از فرهنگ دفاع مقدس شدند

■ علیرضا محمدی

ساعت هشت شب هفتم مهر ۱۳۶۰ بود که اهالی کهریزک تهران صدای انفجاری را در بیابان‌های این منطقه شنیدند. ساعاتی بعد خبرها حکایت از سقوط یک فروند هواپیمای سی ۱۳۰ ارتش داشت که به تازگی از مناطق عملیاتی به تهران مراجعت کرده بود.

در بین ۱۰۰ سرنشین این هواپیما، نام پنج فرمانده ارشد سپاه و ارتش نیز دیده می‌شد. کمی بعد مشخص شد نام هیچ کدام از این فرماندهان در بین ۲۲ فرد زنده مانده حادثه وجود ندارد؛ شهیدان محمد جهان‌آرا، جوادفکوری، ولی‌الله فلاحی، یوسف کلاهدوز و سیدموسی نامجو، فرماندهانی بودند که فقدان هر کدام از آنها، چه در زمان وقوع این حادثه و چه در طول دفاع‌مقدس و پس از آن، خسران بسیاری را به بار آورد. در سالروز این واقعه تاریخی، یادی می‌کنیم از این پنج فرمانده شهید.

شهید جواد فکوری

طراح عملیات کمان ۹۹

برخلاف باوری که درباره سمت سرلشکر شهیدجواد فکوری در جامعه موجود است، این شهید بزرگوار در زمان سقوط هواپیمای سی ۱۳۰، فرمانده نیروی هوایی نبود. وی که سال ۱۳۱۷ در تبریز به دنیا آمده بود، از تیر ۱۳۵۹ یعنی دو ماه قبل از شروع رسمی جنگ، فرماندهی نیروی هوایی را برعهده گرفت و در شهریور ۱۳۶۰ آن را به سرهنگ‌محمدحسین معین‌پور واگذار کرد. از آن به بعد، فکوری به درخواست امیر ولی‌الله فلاحی، رئیس ستاد مشترک ارتش، به‌عنوان مشاور عالی، به ستاد مشترک ارتش منتقل شده بود. جواد فکوری یکی از بهترین افسران و خلبان‌های نیروی هوایی ارتش ایران بود که از حیث هوش و توانایی‌های عملیاتی حرف‌های بسیاری برای گفتن داشت. او درست در مقطعی فرماندهی نیروی هوایی را برعهده گرفت که تحرکات مرزی عراق بعثی علیه کشورمان، خبر از یک جنگ قریب‌الوقوع می‌داد. فکوری نیز به‌عنوان یک فرمانده شجاع و مدبر، در چند روز منتهی به شروع جنگ با اعزام تعداد محدودی از جنگنده‌های کشورمان به آسمان عراق، هشدارهای لازم را به این کشور مبنی بر آمادگی نیروی هوایی ایران اعلام کرده بود. با شروع جنگ تحمیلی، فرماندهی عالی شهیدفکوری باعث شد تا نیروی هوایی ایران با وجود تحریم‌ها و رفتن مستشاران امریکایی، بالاترین میزان آمادگی در بین نیروهای سه‌گانه ارتش را داشته باشد. چنانچه به ابتکار این شهید بزرگوار، تنها سه ساعت پس از حمله بعثی‌ها به فرودگاه‌های کشورمان، هشت فروند جنگنده ایرانی از دو پایگاه هوایی بوشهر و همدان به هوا برخاستند و چند منطقه مهم نظامی عراق را در عملیات موسوم به «انتقام» بمباران کردند. این امر در حالی صورت گرفت که صدام تصور می‌کرد با حمله به فرودگاه‌های کشورمان، نیروی هوایی را تا مدت‌ها فلج خواهد کرد، اما حتی در حمله اولیه بعثی‌ها نیز نیروی هوایی ایران با وجود غافلگیری توانست پنج فروند از جنگنده‌های دشمن را سرنگون کند. تنها یک روز پس از شروع جنگ نیز، شهید فکوری به همراه دیگر همرزمانش، طرح عملیاتی موسوم به کمان ۹۹ را به اجرا گذاشتند که طی آن، ۱۴۰ فروند جنگنده ایرانی چندین نقطه مهم و استراتژیک نظامی عراق بعثی را منهدم کردند. کمان ۹۹ اگرچه یکی از اولین واکنش‌های نظامی ایران علیه تجاوز بعثی‌ها بود، اما تا پایان جنگ در بسیاری از آمارها سرآمد بود چون تعداد جنگنده‌های شرکت‌کننده در آن بی‌نظیر بود. عملیات اچ ۳ یا حمله به پایگاه هوایی الولید عراق در غربی‌ترین نقطه این کشور نیز یکی از پیچیده‌ترین و بزرگ‌ترین عملیات هوایی دنیا بود که در دوره فرماندهی شهید فکوری بر نیروی هوایی به تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۶۰ صورت گرفت. در این عملیات، جنگنده‌های نیروی هوایی بدون آنکه دشمن از وجود آنها باخبر شود، سراسر مرزهای شمالی عراق را پیمودند و خود را به غرب این کشور رساندند و ۴۰ فروند بمب‌افکن، جنگنده و بالگرد عراقی را در این پایگاه نابود کردند. سرلشکر شهیدجواد فکوری تا شهریور ۱۳۶۰ در سمت فرماندهی نیروی هوایی خدمت کرد. همزمان نیز از شهریور ۱۳۵۹ تا شهریور سال ۶۰ به‌عنوان وزیر دفاع مشغول به خدمت بود که تنها چند روز قبل از شهادت، هر دوی این مسئولیت‌ها را به دیگر همرزمانش سپرد و به عنوان مشاور عالی ستاد مشترک ارتش به این ستاد رفت. نهایتاً امیر جواد فکوری در هفتم مهر ۱۳۶۰ به شهادت رسید.

شهید سیدموسی نامجو

مؤسس دانشکده افسری امام علی(ع)

آنهایی که ماجرای روزهای ابتدای جنگ را شنیده‌اند، حتماً این حکایت را نیز شنیده‌اند که چطور سرلشکر شهیدسیدموسی نامجو به‌خاطر شرایط حاد جبهه‌های جنگ در روزهای اول تجاوز دشمن، تعداد قابل‌توجهی از دانشجویان دانشکده افسری امام علی(ع) را به جبهه‌های جنگ فرستاد. در ارتش رسم بر این است که دانشجوهای افسری به جهت زحماتی که برای تحصیل و تربیت آنها کشیده می‌شود، چون گوهرهایی برای روزهای آتی جنگ حفظ شوند و هیچ‌گاه آنها را قبل از اتمام دوره به جبهه‌ها اعزام نمی‌کنند، ولی شرایط خاص روزهای ابتدایی جنگ، شهیدنامجو را بر آن داشت تا تعدادی از دانشجویان دانشکده امام علی(ع) را به جبهه بفرستد.

این تصمیم هوشمندانه شهیدنامجو باعث شد تا جبهه خوزستان خصوصاً در خرمشهر تقویت شود و دشمنی که قرار بود سه روزه کل خوزستان را بگیرد، تنها در خرمشهر یک ماه و چند روز در جا زد و این امر باعث تقویت سایر جبهه‌ها و عدم دسترسی عراق به گلوگاه خوزستان و نهایتاً اشغال کل این استان شد.

شهیدموسی نامجو که متولد سال ۱۳۱۷ در بندر انزلی بود، سال ۱۳۳۴ وارد دبیرستان نظام شد و سه سال بعد به عنوان یکی از بهترین دانش‌آموزان این دبیرستان، وارد دانشکده افسری شد. وی که استاد نقشه‌خوانی در دانشکده افسری بود، به دلیل گرایش‌های مذهبی و عقیدتی محکم خود، به افسران حامی انقلاب اسلامی پیوست و پس از پیروزی انقلاب، سعی کرد ضمن حفظ و حراست دانشکده از ناآرامی‌های ایجاد شده در کشور، زمینه‌های تغییر و تحول انقلابی در آنجا را نیز فراهم کند، بنابراین با توجه به اقدامات انجام گرفته توسط وی، مسئولان تصمیم گرفتند تا او را به‌عنوان فرمانده دانشکده انتخاب کنند.

شهیدنامجو به خوبی دریافته بود که انقلاب نوپای اسلامی دیر یا زود دستخوش ناآرامی‌ها و اغتشاشات مختلف می‌شود، بنابراین با دوراندیشی که داشت، سعی کرد از همان اولین روزهای پیروزی انقلاب، به تربیت افسران جوان بپردازد. او که با وجود سمتش به‌عنوان فرمانده دانشکده افسری، دوستی عمیقی با دانشجویانش داشت و بسیاری از آنها را به اسم می‌شناخت، در پی شروع جنگ تصمیم گرفت دانشجویان افسری را به جبهه اعزام کند و خودش نیز در این سفر و در موارد دیگر همواره به جبهه می‌رفت.

شهیدموسی نامجو در ۲۶ شهریور ۱۳۶۰ به‌عنوان وزیر دفاع انتخاب شد. نامجو در سمت وزارت دفاع نیز سعی کرد تا در هر فرصتی که به دست می‌آورد در جبهه‌ها حضور بیابد. او فرماندهی پشت میزنشین نبود و همواره می‌خواست کنار رزمنده‌ها در مناطق عملیاتی باشد. موسی نامجو در واقعه هفتم مهر ۱۳۶۰ به همراه دیگر فرماندهان و رزمندگان حاضر در آن پرواز، درحالی که در آن زمان سمت وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران را برعهده داشت، به شهادت رسید.

شهید محمد جهان‌آرا

اسطوره مقاومت خرمشهر

نام سرلشکر شهیدمحمد جهان‌آرا با موضوع خرمشهر و روزهای مقاومت این شهر درهم آمیخته است.

جهان‌آرا که سال ۳۳ در خرمشهر به دنیا آمده بود، از مؤسسان سپاه این شهر بود و پس از شهیدجعفر جنگروی، فرمانده سپاه خرمشهر شد.

اوج نام‌آوری و حماسه‌آفرینی شهیدجهان‌آرا در موضوع مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر تجلی یافت.

او در این مقطع حساس، علاوه بر فرماندهی پاسداران این شهر، نیروهی مردمی را نیز رهبری می‌کرد.

پس از سقوط خرمشهر، شهید جهان‌آرا تا مدتی همچنان مسئولیت سپاه این شهر را بر عهده داشت، اما از آنجا که شجاعت و استعداد فرماندهی خوبی چه در موضوع خرمشهر یا پس از آن نشان داده بود، توأمان با فرماندهی سپاه خرمشهر به سمت فرماندهی سپاه پاسداران اهواز و سرپرستی ستاد منطقه هشت سپاه نیز منصوب شد.

جهان‌آرا در مقطعی به‌عنوان یک پاسدار مسئول در خوزستان خدمت می‌کرد که این خطه از کشورمان به عنوان مهم‌ترین منطقه عملیاتی دفاع‌مقدس، شرایط سختی را سپری می‌کرد.

دو لشکر زرهی دشمن از روزهای ابتدایی جنگ در حومه اهواز حضور داشتند و علاوه بر اشغال خرمشهر، آبادان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای خوزستان و حتی ایران، در محاصره قرار داشت.

شهیدجهان‌آرا در چنین شرایط حساسی، به‌خوبی از عهده وظایف و مسئولیت‌هایش برآمد و از آنجا که خود زاده خوزستان بود، با عشق و شور فراوان سعی داشت تا دشمن را از این خاک زخم خورده بیرون براند.

او که کودکی و نوجوانی‌هایش را در کوچه‌پس‌کوچه‌های آبادان و خرمشهر سپری کرده بود، در عملیات ثامن‌الائمه(ع) و شکست حصر آبادان فعالیت بی‌شائبه‌ای داشت.

با شکسته شدن حصر آبادان در پنجم مهر ۱۳۶۰، جهان‌آرا که آرزوی آزادسازی خرمشهر را داشت به همراه چند فرمانده دیگر از ارتش و سپاه راهی تهران شد تا گزارش عملیات ثامن‌الائمه(ع) را به خدمت حضرت امام ببرند، اما شامگاه هفتم مهر با سقوط هواپیمای حاملشان همگی به شهادت رسیدند.

کمتر از هشت ماه بعد خرمشهر در جریان عملیات الی‌بیت‌المقدس آزاد شد.

یک سال پس از شهادت جهان‌آرا نیز جواد عزیزی یکی از همرزمانش شعر معروف «ممد نبودی» را سرود که این شعر بعدها با نوحه خوانی کویتی‌پور، به بخش جدایی‌ناپذیری از فرهنگ دفاع‌مقدس تبدیل شد. چنانچه اکنون هیچ ایرانی را نمی‌توانیم پیدا کنیم که سرود و نوحه «ممد نبودی» را نشنیده باشد.

شهید یوسف کلاهدوز

یک ارتشی که از مؤسسان سپاه شد

سرلشکر شهیدیوسف کلاهدوز پس از شهیدفلاحی، دومین نظامی عالی‌رتبه شهید در حادثه هفتم مهر ۱۳۶۰ بود.

او که در این زمان قائم‌مقام فرماندهی سپاه را بر عهده داشت، در شورای عالی دفاع نیز نقش مؤثری ایفا می‌کرد.

کلاهدوز چهره محبوبی هم در میان ارتشی‌ها و هم در میان سپاهی‌ها بوده و است.

او که سال ۱۳۲۵ در قوچان به دنیا آمد، از انقلابی‌ترین نیروهای ارتش در دوران خفقان رژیم طاغوت بود، حتی وقتی که به لشکر گارد شاهنشاهی ورود کرد.

هدف وی کسب اطلاعات از این یگان حساس جهت ضربه زدن به رژیم و همین‌طور ایجاد هسته‌های بینش در ارتش بود.

شهید کلاهدوز پس از پیروزی انقلاب ابتدا سعی کرد به همراه چهره‌هایی چون شهید اقارب‌پرست، به ساماندهی ارتش بپردازد. همزمان او به همراه شهیدمنتظری و شهیدنامجو تعدادی از جوان‌های انقلابی را در مجموعه گارد تحت پوشش گرفت و به آنها آموزش‌های نظامی داد.

وقتی که سپاه به صورت رسمی در دوم اردیبهشت سال ۱۳۵۸ تشکیل شد، تمامی نیروهای آموزش دیده توسط شهید کلاهدوز و شهیدمنتظری جزو پاسدارهای دوره‌اولی به عضویت سپاه درآمدند. نکته جالب درباره زندگی جهادی شهید کلاهدوز این است که وی به‌عنوان یک افسر سابق ارتش شاهنشاهی در تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقشی اساسی داشت و خود وی نیز مسئولیت آموزش سپاه را برعهده گرفت. در واقع اولین مسئول آموزش سپاه یک ارتشی انقلابی به نام یوسف کلاهدوز بود که پس از آن، تمام زندگی خود را وقف حفظ و حراست از انقلاب اسلامی کرد.

پس از شروع دفاع‌مقدس، دیری نپایید که مرتضی رضایی، فرمانده وقت سپاه از سمت خود استعفا کرد و آنطور که محسن رفیق‌دوست روایت می‌کند. شورای فرماندهی سپاه تصمیم گرفت یا شهید بروجردی یا شهید کلاهدوز یا محسن رضایی را به فرماندهی این نیرو انتخاب کند.

کلاهدوز و بروجردی این مسئولیت را نپذیرفتند و نهایتاً محسن رضایی فرمانده سپاه شد.

شهید کلاهدوز یکی از معتقدترین نظامی‌های محب حضرت امام بود که حتی در دوران طاغوت نیز دست از اعتقادات مذهبی خود نکشید و همواره در مسیر اسلام و انقلاب حرکت می‌کرد.

عاقبت او نیز در کنار شهیدان فلاحی، نامجو، جهان‌آرا و فکوری در واقعه تلخ سقوط هواپیمای سی ۱۳۰ ارتش در کهریزک به شهادت رسید.

شهید ولی‌الله فلاحی

عالی‌رتبه‌ترین نظامی واقعه هفتم مهر ۱۳۶۰

سرلشکر شهیدولی‌الله فلاحی، عالی‌رتبه‌ترین نظامی ایرانی بود که در حادثه سقوط هواپیمای سی ۱۳۰ در هفتم مهر ۱۳۶۰ به شهادت رسید.

او در زمان شهادتش علاوه بر اینکه رئیس ستاد مشترک ارتش (فرمانده کل ارتش) بود، به نوعی پس از عزل بنی‌صدر نیز فرماندهی کل قوا را برعهده داشت.

فلاحی که سال ۱۳۱۰ در طالقان متولد شده بود، سال ۱۳۳۰ به دانشکده افسری رفت و تا سال ۵۲ به دلیل مخالفت‌هایی که با رژیم پهلوی داشت، چهار بار به زندان افتاد.

وی که درجه سرتیپی خود را در آخرین ماه‌های عمر رژیم پهلوی گرفته بود، پس از پیروزی انقلاب یکی از معدود نظامی‌های رده بالای ارتش بود که همراهی بی‌شائبه‌ای با انقلاب داشت و از همان زمان نیز مورد توجه شخصیت‌های انقلابی قرار گرفت.

پس از پیروزی انقلاب، ابتدا برای شهیدفلاحی حکم بازنشستگی صادر شد، اما شهرت او به‌عنوان یک نظامی عالی‌رتبه مدافع انقلاب باعث شد تا با موافقت شورای انقلاب، طی حکمی از سوی سپهبدشهید محمد ولی‌قرنی به‌عنوان اولین فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران انتخاب شود.

فلاحی در زمان سکانداری نیروی زمینی ارتش به‌عنوان اصلی‌ترین یگان وقت نیروهای مسلح هر روز در گوشه و کنار کشورمان با اغتشاشات جدیدی روبه رو می‌شد که سعی می‌کرد با جدیت و تلاش با آنها روبه‌رو شود.

شهیدفلاحی در اغتشاشات کردستان که یکی از سخت‌ترین و خشن‌ترین تحرکات جدایی‌طلبانه در تاریخ انقلاب بود، شخصاً حضور یافت و به همراه شهیدچمران به پاوه رفت.

وی همچنین در جایگاه فرمانده نیروی زمینی به دستور تیمسار سپهبد قرنی (رئیس وقت ستاد ارتش) و با همراهی سه گردان از نیروهای لشکر یکم پیاده تهران رهسپار منطقه شد و با یاری‌بخشی از نیروهای لشکر ۶۴ ارومیه و لشکر ۲۸ پیاده کردستان از سقوط پادگان سنندج و گسترش حوزه نفوذ حزب دموکرات به جنوب جلوگیری کرد.

پس از شهادت ولی‌الله قرنی و فراز و فرودهایی که ارتش به خود دید، فلاحی در ۲۹ خرداد ۱۳۵۹ به فرماندهی ستاد مشترک ارتش که همان فرماندهی کل ارتش بود؛ منصوب شد. در این زمان چیزی در حدود سه ماه به شروع جنگ تحمیلی باقی مانده بود، اما به دلیل کارشکنی‌هایی که بنی‌صدر انجام می‌داد، ارتش به فرماندهی شهیدفلاحی نمی‌توانست آنطور که باید و شاید به تقویت مرزهای مشترک ایران با عراق بپردازد.

پس از شروع جنگ تحمیلی، شهیدفلاحی عمده وقت و توان خود را برای حضور در مناطق عملیاتی صرف می‌کرد.

چنانچه در سه ماهه اول شروع جنگ وی هفته‌ای تنها ۴۸ ساعت در ستاد مشترک حضور می‌یافت و پس از دادن گزارش جبهه‌ها به حضرت امام، دوباره به مناطق عملیاتی می‌رفت.

ولی‌الله فلاحی در حادثه سقوط هواپیمای فرماندهان جنگ، به‌عنوان رئیس ستاد مشترک ارتش و (به نوعی) فرمانده کل قوا، عالی رتبه‌ترین شخصیت نظامی شهید این واقعه بود.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۰۳۶

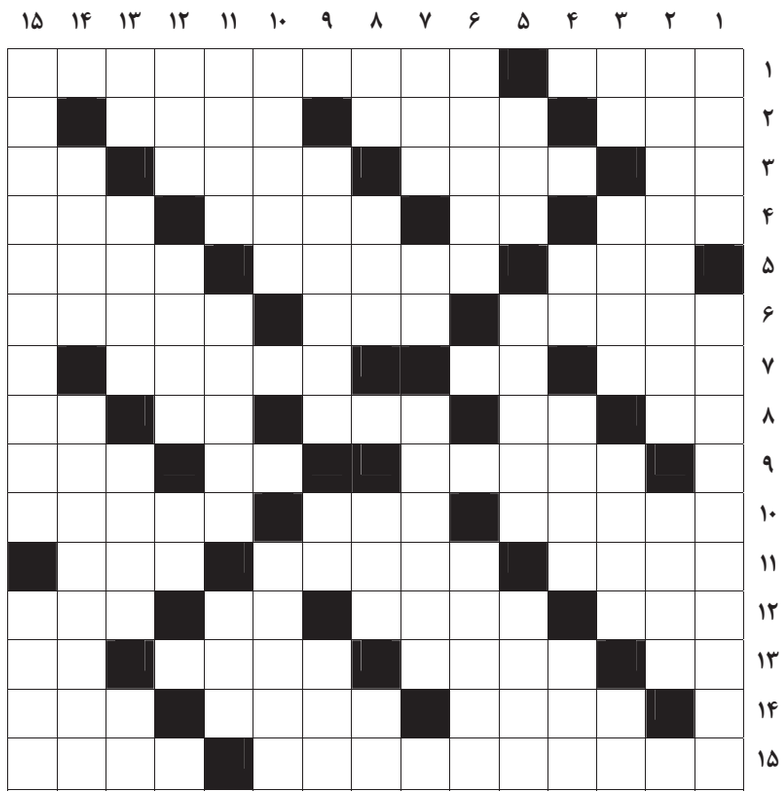

از راست به چپ

■ اختر نگاری ■ ۲- رد پا- بخیه درشت- شهری در استان چهارمحال و بختیاری ■ ۳- نقش تئاتری- تخته شیرجه- کرم کدو- حرف فقدان ■ ۴- انگور سیاه- علامت مفعول- محلی برای عزاداری- خانه زنبور عسل ■ ۵- از مصالح ساختمانی- سرلشکر خارجی- راه رونده ■ ۶- یخ‌زن فرهنگستان- عقاب سیاه- پایان ■ ۷- زینت انسان- سفید آذری- نام کمال، نویسنده معروف ترکیه ■ ۸- خیس- موضوع و مبحث- شانه و دوش- مخفف هستم- مادر لر ■ ۹- متداول- مملو- سلاح صبور ■ ۱۰- ده هزار متر مربع- بهشت شداد- بدزبانی ■ ۱۱- تنها پستانداری که پرواز می‌کند- ایالت ببرخیز هندوستان- لقبی اشرافی در اروپا ■ ۱۲- حمام انفرادی- شراب- دریا- دندان فیل ■ ۱۳- سرخ کمرنگ- حصار و دیوار- لباس زنان هندی- خط کش مهندسی ■ ۱۴- رنگ خاکستری با ته رنگ آبی- از مرغوب‌ترین ماهی‌های جنوب- تبدیل جسم جامد به مایع ■ ۱۵- اسطوره درگذشته فوتبال هلند- کتاب ژوزه ساراماگو، نویسنده پرتغالی برنده نوبل ادبیات ۱۹۹۸

از بالا به پایین

■ ۱- همکار خاک‌انداز- مجلس سوگواری و عزاداری ■ ۲- کنایه از کسی که پول و مال فراوان داشته باشد- ماهی خزری ■ ۳- حرص و طمع- شریف و بزرگوار- گاز مرداب- پاروی قایقرانان ■ ۴- درخت انگور- از نوشت‌افزار- امر به آمدن ■ ۵- خیابان وسیع- شهری در مازندران که پیش‌تر سخت‌سر نامیده می‌شد- بزرگ‌ترین پستاندار دریایی ■ ۶- هم‌جوش- نازک ■ ۷- ریزه‌های طلا- چوب خوشبو- تکاور ■ ۸- تپه و پشته- دیوار بلند- لایه حاوی مواد معدنی- نیم ساعت! ■ ۹- جمع تکلیف- بنده و شما- محرمانه ■ ۱۰- افزودنی به شیرینی- صاحب منصب قزاق که مجلس را به توپ بست ■ ۱۱- زاری- نشان دادن- شهری معروف در ترکمنستان ■ ۱۲- جبه- کوهان شتر- حمله نظامی ■ ۱۳- خاندان- دریچه دوربین- بازدارنده- صاحب و مالک ■ ۱۴- اندام شنای ماهی- فرمانروای مستبد ■ ۱۵- تخلص شعری میرزا جلال کاشانی، از شاعران قرن یازدهم هجری- قطعی برای کتاب

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۱		۲				۶		
						۴	۵	۳
۴			۶		۳			
						۱	۷	
			۴	۷	۶			
۳	۹					۲		
	۶		۳					
			۵		۹			۷
	۱						۹	۲

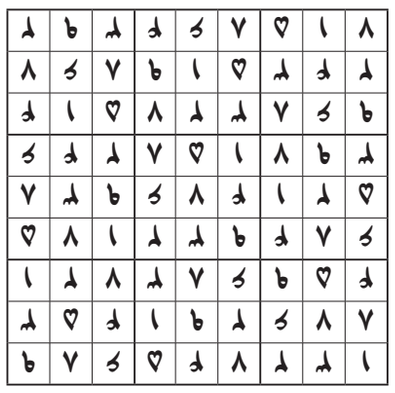

جدول کلمات متقاطع
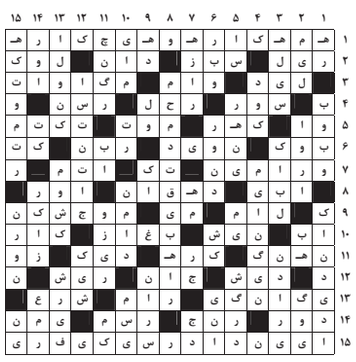
پاسخ جدول شماره ۶۰۳۵